



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معرفت نفس

www.ketab.ir

نویسنده

حجت الاسلام فرزاد سدری



پدیدآورنده	سدري، فرزاد،
عنوان	معرفت نفس
تکرار نام پدیدآور	فرزاد سدري
مشخصات نشر	قم: صلوات، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري	قم: ۶۴ ص
شابک	
وضعيت فهرستويسی	فيا
یادداشت	کتابنامه:
موضوع	نفس - جنبه‌های مذهبی - اسلام
موضوع	خودشناسی - جنبه‌های مذهبی - اسلام
موضوع	خداشناسی
موضوع	انسان (اسلام)
رده بندی کنگره	۱۳۹۲، عم ۴/س ۲۱۶/۵ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۲
شماره مدرک	۳۱۱۲۵۸۹
ISBN: 978-964-8733-53-2	

— معرفت نفس —

تألیف	فرزاد سدري
ناشر	صلوات
نوبت چاپ	اول، ۱۳۹۳
چاپخانه	طاها
شمارگان	۲۰۰۰ جلد
قیمت	۲۶۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۸۷۱۳-۵۱-۲

* کلیه حقوق در انحصار مؤلف است *

مراکز پخش:

پخش نتکا: قم / پاساژ قدس / طبقه پنجم / پلاک ۱۵۹

۰۹۱۹۲۵۲۰۶۵۳ - ۰۹۱۲۸۵۲۰۶۵۳

پخش کتاب آوای بهار

۰۹۱۲۴۵۱۰۸۲۰ - ۰۲۵ ۳۷۷۴۲۰۰۹

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۸	 پیشگفتار اول
۹	 پیشگفتار دوم
۱۰	 عرفان اشو (اشو Psho)
۱۲	 عرفان کیهانی

فصل اول: اشایی با واژهای عرفانی

۱۶	 عارف، عرفان، معرفت، معروف
۱۶	 عارف
۱۷	 عرفان
۱۷	 معرفت
۱۸	 حکایت
۱۹	 معروف
۲۰	 خاطره‌ای آموزنده از عرفا
۲۰	 جوان ناکام

فصل دوم: نشئات جهان آفرینش

- ۲۲..... نشئه‌ی عقول
- ۲۲..... نشئه‌ی حیوانی
- ۲۴..... حکایت:
- ۲۴..... نشئه‌ی بل هم اضل
- ۲۵..... نشئه‌ی انسانی
- ۲۵..... حکایت:
- ۲۶..... نشئه‌ی املا انسان:
- ۲۶..... نشئه‌ی انسان کامل:
- ۲۸..... دستور العمل عرفانی

فصل سوم: قدم‌ها را راه‌های نیل به معرفت الله

- ۳۰..... قدم اول: معرفت نفس
- ۳۰..... معرفت نفس در قرآن کریم
- ۳۱..... معرفت نفس در احادیث معصومین علیهم‌السلام
- ۳۲..... معرفت نفس در حکمت متعالیه
- ۳۳..... معرفت نفس در کلام عرفا
- ۳۳..... ابوالفضائل علامه حسن زاده آملی (حفظه الله)
- ۳۳..... سالک الی الله علامه طهرانی
- ۳۴..... راه‌های دستیابی به معرفت نفس
- ۳۵..... راه اول (تفکر)

۳۵	تفکر در قرآن کریم
۳۷	من چه کسی هستم؟
۳۸	تفکر در لسان معصوم علیه السلام
۳۸	حکایت:
۴۰	راه دوم (ذکر)
۴۰	ذکر در قرآن کریم
۴۲	قدم دوم: عزم و اراده
۴۳	قدم سوم: رفق ملول
۴۵	قدم چهارم: ترک عادات و رسوم و تعارفات
۴۷	قدم پنجم: معرفت صاحب نشانی انسان کامل، ذوات مقدس ائمه اطهار علیهم السلام
۴۷	انسان کامل کیست؟
۴۸	معرفت عرضی (اجمالی)
۴۸	معرفت طولی (تفصیلی)
۴۹	انسان کامل در قرآن کریم (در منصب خلیفه اللهی)
۵۱	انسان کامل در لسان انسان کامل

فصل چهارم: ثمرات معرفه الله

۵۵	میوه‌های شجره‌ی معرفت
۵۵	ثمره‌ی اول (محبت)
۵۶	عشق
۵۶	محبت

- آشنایی با واژه‌های اطراف محبت ۵۷
- ثمره‌ی دوّم (تسلیم) ۵۷
- تسلیم ۵۸
- تسلیم در اصطلاح ۵۸
- تسلیم در قرآن کریم ۵۹
- تسلیم در احادیث ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام ۵۹
- تسلیم در عرفان و نزد عرفا ۶۰

مقدمه

هر گاه موضوعی را که مربوط به یکی از حواس است به چیزی نسبت دهیم که با آن حس قابل احساس نباشد، آرایه حس آمیزی آفریده می شود که در زبان روزمره نیز کم کاربرد نیست.

«طعم پیروزی را چشید»

در این عبارت «مزه» که مربوط به حس چشایی است به پیروزی نسبت داده شده است، اما پیروزی با حس چشایی قابل احساس نیست.

«حقیقت تلخ است»

در این عبارت «تلخی» که مربوط به حس چشایی است به حقیقت نسبت داده شده است، اما حقیقت با حس چشایی قابل احساس نیست.

شاید بیان این مطلب که واژه ها دارای طعم می باشند، خیلی با ذهن ما سازگار نباشد و بگوییم مگر می شود واژه و کلمه ای طعم و مزه داشته باشد؟! اما همه ما در برخورد با کلمات طعم های آنها را چشیده ایم. شما هم اگر تاکنون این طعم را نچشیده اید با دقت در گفته ها و شنیده های خود به این سخن ما خواهید رسید. به عنوان مثال: آیا شما با شنیدن واژه «پیروزی» طعم

شیرین آن را حس می‌کنید؟ در مقابل با شنیدن واژه «شکست» تلخی آن را حس کرده‌اید؟

آری؛ شنیدن بعضی جملات برای انسان بار مثبت دارد و در مقابل بعضی جملات بار منفی به انسان القاء می‌کنند. به عنوان مثال: «دست شما درد نکته» تا جمله «دست شما پر توان باد» از لحاظ بار معنایی چقدر با هم تفاوت دارند؟! و از این جمله‌ها در فرهنگ محاوره‌ای ما ایرانیان نمونه بسیار یافت می‌شود.

پیشگفتار دوم

واژه معرفت یکی از آن واژه‌هایی است که با شنیدن آن طعم شیرینش را خواه ناخواه حس می‌کنیم. نتیجه که برابر آن داشت تا قلم به دست گرفته و سطرهایی درباره این واژه گرد آورم، از یک طرف بار مثبتی است که این واژه دارد که شاید به همین دلیل مورد هجوم بسیاری از شایادان از خدا بی‌خبر قرار گرفته و به دکان پرسودی برای ایشان تبدیل شده، و از طرفی ناله بشر امروز به زیست معنوی است که بی‌تردید بیش از بشر دیروز احساس می‌شود. اما فهم عامیانه از معرفت در بطن زندگی آمیخته با مدرنیته‌ی امروزی موجب پدید آمدن مکاتب و نحله‌های معرفتی و شبه معرفتی التقاطی گردیده که انسان امروزی را به بیراهه رهنمون می‌سازد.

به طور حتم در این باب قلم‌فرسایی بسیار شده است، اما چون با زبان ساده و قابل هضم برای آحاد جامعه و علاقمندان و خاصه جوانان نگارش نشده، برای

شیادان مستمسکی شده که از این خلاء سوء استفاده کرده و با توجه به رویکرد جوانان به معنویت، در صدد برآمده تا با یک توطئه ی از پیش طراحی شده ارائه ی الگوهای به ظاهر معنوی و عرفانی این شور و شوق جوانان و باورهای دینی و معنوی آنها را به انحراف و در نهایت به ورطه ی سقوط بکشاند. این در حالی است که متأسفانه به دلیل کوتاهی مسئولین فرهنگی کشورمان در امر اطلاع رسانی و نیز عدم آگاهی و شناخت صحیح بسیاری از مردم، و ظاهر جذاب این قبیل محافل، ناخواسته در دام این گروه های معنویت گرا اسیر می گردند.

پیشگفتار دوم

امروز در جهان با هفت محدود ی عرفانی مواجهیم که هر کدام به زیرمجموعه های متعددی تقسیم می شوند. از این هفت محدوده حدود یکصد مکتب به دست می آید و تمامی این مکاتب در کشور ما رایج است. نفوذ یکی فراوان، نفوذ آن یکی متوسط و نفوذ دیگری اندک است. این هفت محدوده بر اساس میزان گسترش در جهان و میزان نفوذ در ایران به ترتیب عبارتند از:

- عرفان های هندی
- عرفان های آمریکایی
- عرفان مسیحیت
- عرفان یهود
- عرفان چینی

- فرا علم (فرا روان شناسی)

- زبان تصویری یا سینمای ماوراء

دشمن پس از آن که دریافت برای سرنگونی نظام از طریق تهاجم نظامی راه به جایی نخواهد برد، جبهه وسیع دیگری در حوزه فرهنگ آغاز نمود که رهبر فرزانه‌مان از آن به عنوان «شیخون فرهنگی» یاد کرد. بر همین اساس حرکت خزنده و خاموشی از سوی دشمن آغاز شد و در این تهاجم باورهای دینی و معنوی مردم خصوصاً نسل جوان مورد هدف واقع گردید. برای نمونه به بعضی از آنها که در برهه‌ای از زمان نمود بیشتری در ایران داشتند اشاره و انحرافات آنها را در کشی موجه به خورد جامعه جوان ما می‌دادند را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

عرفان اشو (اوشو Osho)

یکی از عرفان های نو ظهور هندی، «اوشو» می باشد. اوشو متولد سال ۱۹۳۱ و متوفی سال ۱۹۹۰ می باشد. نشریه ساندی تایمز در لندن او را به عنوان یکی از «هزاران آینده ساز قرن بیستم» و نشریه ساندی میددی تایمز در هندوستان او را به عنوان یکی از ده موردی که سرنوشت کشور هند را تغییر داده‌اند، در کنار گاندی، نهرو و بودا نام برده است. وی در سال ۱۹۸۰ با دعوت مریدانش به نام «سان یاسین» (دوستان عشق) وارد آمریکا شد و سال ۱۹۸۵ از آنجا اخراج گردید. علت اخراج اوشو (از آمریکا) به عنوان بزرگترین مرد معنوی جهان، فساد جنسی و اخلاقی وی بود. او بت معنوی جهان

و بسیاری از جوانان داخل کشور می‌باشد.

حاصل اندیشه‌های اوشو را در یک جمله می‌توان بازگو کرد. عشقی را که اوشو از آن می‌گوید این است که عشق همانند درخت است. درخت دو سر دارد. از یک طرف ریشه در زمین دارد و از سوی دیگر برگ‌ها، تنه و شاخه به سمت آسمان است. اوشو می‌گوید به میزانی که ریشه درخت در زمین فرو رود شاخه‌های آن به سمت آسمان بلند می‌شود. میان ارتفاع شاخه و ریشه دواندن درخت درون خاک نسبت معکوس است. عشق تعالی است، اما عشق از خاک آغاز می‌شود. اگر عشق در خاک جایی نداشته باشد، هرگز به آسمان بلند نمی‌شود. مانند درخت. لذا عشق با قفسی که شروع می‌شود به عشق خاکی می‌رسد. عشق خاکی، عشق زمینی است و عشق زمینی که اوشو بیان می‌کند چیزی جز سکس نیست. لذا پایان معنویت اوشو و بهائیت و عصاره و خلاصه عرفان و معنویت اوشو، عشق است که همان عشق زمینی و خاکی است و در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن، همان علتی بود که اوشو را از آمریکا اخراج کردند.

یک محقق فرهنگی در کتاب خرد اسم عرفان اوشو را «عرفان سکس» گذاشته است. عرفان اوشو، عرفان بدون شریعت است، عرفان بدون آسمان و خدا، عرفان زمینی و دنیوی است. اوشو بر این اساس ضد فلسفه است. در تعبیری می‌گوید: «فیلسوفان سگان تاریخ‌اند» و مفصل در این باره بحث می‌کند. ضد تکنولوژی و ضد تمدن بشریت معاصر است. ضد استدلال برای همه چیز حتی برای خدا است. ضد اخلاق گرائی، ضد فقه است. تشبیهات بسیار مستهجنی برای فقها و قانون‌گذاران بشر دارد. اساساً ضد قانون است.

شعار اصلی اوشو این است: «یک قانون تنها در دنیا وجود دارد و آن اینکه هیچ قانونی وجود ندارد.» شعار او این است که نظم در هرج و مرج است و باید رسوم و عادات را شکست تا نظم آسمانی و نظم خدایی که فقط از اتحاد دو جنس زن و مرد ایجاد می‌شود، پدید بیاید. از حدود هفتاد جلد آثار اوشو که اکنون به زبان فارسی وجود دارد، چندین جلد آن بدون شک آموزش عشق زمینی و خاکی است. اوشو امروز برای بسیاری از جوانان به یک بت معنوی مبدل شده است. اوشو در سال ۱۹۸۵ به دلیل فساد اخلاقی از آمریکا و نه کشور اسلام اخراج شد.

برای اکثر آمریکاییان متوجه باشید:

سه منطقه آمریکا، اروپا و خاور میانه را در نظر بگیرید. بارزترین کشور اروپایی ایتالیا و آلمان است. نسبت ایران به ایتالیا و آلمان مانند نسبت ایتالیا و آلمان به آمریکاست. بت معنوی معاصر از چین کشوری به دلیل فساد اخلاقی اخراج می‌شود و متأسفانه این فرد فاسد، مایه بحالی صنم بسیاری از جوانان ایرانی است.

هواداران این نوع زندگی، سبک زیستن خود را راهی برای رهایی از قید و بندهای اخلاقی و اجتماعی دانسته‌اند.

عرفان کیهانی

یکی دیگر از نحله‌ها و مکاتب انحرافی که با روکش شیرین معرفت سعی در اغوای جامعه اسلامی خاصه جوانان دارد، «عرفان کیهانی» یا حلقه است

اینک در این مجال نکاتی از جمله انسان شمولی و تکررگرایی و همچنین مفهوم صراط مستقیم از دیدگاه این نحله را با محک آیات قرآن کریم مورد نقد قرار می‌دهیم.

الف: عرفان کیهانی (حلقه) نوعی سیر و سلوک عرفانی است که مباحث عرفانی را مورد بررسی نظری و عملی قرار می‌دهد؛ و از آن جا که انسان شمول است، همه انسان‌ها صرف نظر از نژاد، ملیت، دین، مذهب و عقاید شخصی می‌توانند جنبه نظری آن را پذیرفته و جنبه عملی آن را مورد تجربه و استفاده قرار دهند.

ب: اصل ۱۷: در مسایل آسمانی (معنوی) تسلیم و در مسایل زمینی (دنیوی) تلاش، عوامل تعیین کننده است.

ج: اصل ۳۳: تسلیم در حلقه تنها شرط تحقق موضوع حلقه مورد نظر است؛ در غیر این صورت باید از توان‌های فردی استفاده شود که آن نیز محدودیت خواهد داشت.

حاصل جمع این سه فراز این است که در عرفان کیهانی برای تشکیل حلقه و اتصال به شعور کیهانی و کسب فیض خدا و درمان، دین و مذهب شخص مهم نیست؛ زیرا این مکتب انسان شمول است. از سوی دیگر چون جریان اتصال کیهانی امری آسمانی (معنوی) است و در مسایل آسمانی (معنوی) تسلیم تعیین کننده است، تنها کافی است شخص تسلیم باشد تا موضوع حلقه مورد نظر تحقق یابد. بنابراین درهای آسمان برای هر کسی با هر دینی باز خواهد بود.

این معنا با آیه قرآن که می‌فرماید: «کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد، مگر این‌که شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می‌دهیم»^۱ تناقض داشته و ناسازگار است. اگر در این مکتب برای هیچ انسانی محدودیتی نیست و به اصطلاح انسان شمول است، پس هر کسی با هر مکتب و مذهبی می‌تواند در این جریان وارد شود. هر چند آیات الهی را تکذیب کند، جنایت کند، خیانت کند، علیه قرآن حرب برزند، به احکام شریعت عمل نکند و در جامعه فساد و فحشا راه بیندازد و... درحالی که قرآن می‌فرماید: کسانی که آیات الهی را تکذیب می‌کنند و سرپیچی می‌نمایند، می‌گمانند که گمانه برخلاف آن رفتار می‌کنند، درهای آسمان برای آنان باز نمی‌شود. بی‌شک منظور از آسمان در این آیه شریفه آسمان مادی نیست. بنابراین دست کم برخی از انسان‌ها از برکات آسمانی محروم خواهند بود و این با انسان شمول بودن نمی‌سازد که بقدر امن عرفان و بیان مغایرت‌های آن با مسلمات دینی مجال دیگری می‌طلبد.